



سیمای سوره‌ی اسراء

سوره‌ی «اسراء»، یکصد و یازده آیه دارد و بنابر قول مشهور مکی است. البتّه بعضی از مفسران آیه‌های ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۵۷ و ۷۸ را مدنی می‌دانند. این سوره؛ به جهت کلمه‌ی اوّل آن، «سبحان» و به خاطر ماجرای معراج، «اسراء» و به سبب بازگویی داستان بنی اسرائیل، «بنی اسرائیل» نامگذاری شده است. در این سوره همچون دیگر سوره‌های مکی، موضوعاتی از قبیل: توحید، معاد، نصایح سودمند و مبارزه با هرگونه شرک، ظلم و انحراف، سنّت‌ها و قوانین فردی و اجتماعی در تاریخ، تاریخچه‌ی آدم و ابلیس، پیامبر اسلام و موقعیت آن حضرت در مکه، بیان شده است. از مسائل عمده و قابل توجّه در این سوره، معراج حضرت رسول ﷺ است.

شروع سوره با «تسبیح» خداست و پایان آن با «حمد» و ستایش او. در روایات به تلاوت این سوره در شب‌های جمعه سفارش شده و از جمله فوائد آن، دیدار امام زمان عجل الله فرجه دانسته شده است.^(۱)

۱. امام صادق عجل الله فرجه فرمودند: «من قرء سورة بنی اسرائیل فی کل لیلۃ جمعة لم یمت حتّی یدرک القائم و یكون من اصحابه». تفسیر نمونه.

﴿ ۲۲ ﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا

با خداوند معبود دیگری قرار مده که نکوهیده و سرافکنده خواهی نشست.

نکته‌ها:

□ گرچه مخاطب آیه پیامبر اکرم ﷺ است، ولی مقصود تمام مردم می‌باشد. نظیر اینگونه خطاب در آیات قرآن کریم فراوان است، از جمله آیه‌ی بعد که می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ﴾ یعنی هرگاه یکی از پدر و مادر یا هردوی آنان، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان اف مگو، با آنکه پیامبر پدر و مادر خود را در کودکی از دست داده بود.

در این آیه نیز مراد از «لا تجعل» مردم هستند که به دلیل رهبری پیامبر، آن حضرت مورد خطاب واقع شده است.

پیام‌ها:

- ۱- شکوفایی و عزت انسان در سایه‌ی توحید است و شرک و پرستش غیر خدا انسان را خوار و ذلیل می‌کند. ﴿مَلُومًا مَّخْذُولًا﴾
- ۲- پیروی از مکاتب غیر الهی، انسان را به بن‌بست و رکود و باتلاق می‌کشاند. ﴿فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّخْذُولًا﴾
- ۳- مشرک، مورد نکوهش خدا، فرشتگان، مؤمنان، وجدان‌های بیدار و خردمندان جهان است. ﴿مَلُومًا مَّخْذُولًا﴾ زیرا نامی از مذمت کننده نیامده است، تا مطلق و فراگیر باشد.

﴿ ۲۳ ﴾ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ

عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ

لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

پروردگارت مقرّر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیروی رسیدند، به آنان «أف» مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو.

نکته‌ها:

□ در احادیث، در مورد احسان به والدین بسیار سفارش شده و از آزردن آنان نکوهش به عمل آمده است:

پاداش نگاه رحمت به والدین، حج مقبول است. رضایت آن دو رضای الهی و خشم آنان خشم خداست. احسان به پدر و مادر عمر را طولانی می‌کند و سبب می‌شود که فرزندان نیز به ما احسان کنند. در احادیث آمده است: حتی اگر تو را زدند، تو «أف» نگو، خیره نگاه مکن، دست بلند مکن، جلوتر از آنان راه نرو، آنان را به نام صدا نزن، کاری مکن که مردم به آنان دشنام دهند، پیش از آنان منشین و پیش از آنکه از تو چیزی بخواهند به آنان کمک کن.^(۱)

□ مردی مادرش را به دوش گرفته طواف می‌داد، پیامبر را در همان حالت دید، پرسید: آیا حق مادرم را ادا کردم؟ فرمود: حتی حق یکی از ناله‌های زمان زایمان را ادا نکردی.^(۲)

□ از پیامبر اکرم ﷺ سؤال شد: آیا پس از مرگ هم احسانی برای والدین هست؟ فرمود: آری، از راه نماز خواندن برای آنان و استغفار برایشان و وفا به تعهداتشان و پرداخت بدهی‌هایشان و احترام دوستانشان.^(۳)

□ مردی از پدرش نزد پیامبر شکایت کرد. حضرت پدر را خواست و پرسش نمود، پدر پیر گفت: روزی من قوی و پولدار بودم و به فرزندم کمک می‌کردم، اما امروز او پولدار شده و به من کمک نمی‌کند. رسول خدا ﷺ گریست و فرمود: هیچ سنگ و شنی نیست که این قصه را بشنود و نگرید! سپس به آن فرزند فرمود: «أنتَ و ما لُکَ لا یبیک» تو و دارایی‌ات از آن پدرت هستی.^(۴)

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر نمونه.

۳. تفسیر مجمع البیان.

۴. تفسیر فرقان.

- در حدیث آمده است: حتی اگر والدین فرزند خود را زدند، فرزند بگوید: «خدا شما را ببخشد» که این کلمه همان «قول کریم» است.^(۱)
- احسان به والدین، از صفات انبیاست. چنانکه در مورد حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، توصیف «بِرّاً بوالدتی»^(۲) و در مورد حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَامُ «بِرّاً بوالدیه»^(۳) آمده است.
- والدین، تنها پدر و مادر طبیعی نیستند. در برخی احادیث، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ پدر امت به حساب آمده‌اند.^(۴) همچنان که حضرت ابراهیم، پدر عرب به حساب آمده است.^(۵) «مِلَّةَ ابيکم ابراهیم»^(۶)
- اگر والدین توجّه کنند که پس از توحید مطرحند، انگیزه‌ی دعوت فرزندان به توحید در آنان زنده می‌شود. «قَضَى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَاناً»

پیام‌ها:

- ۱- توحید، در رأس همه‌ی سفارش‌های الهی است. «قَضَى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ»
- ۲- خدمتگزاری و احسان به پدر و مادر، از اوصاف موحد واقعی است. «اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَاناً»
- ۳- فرمان نیکی به والدین مانند فرمان توحید، قطعی و نسخ‌نشده است. «قَضَى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ»
- ۴- احسان به والدین در کنار توحید و اطاعت از خداوند آمده است تا نشان دهد این کار، هم واجب عقلی و وظیفه‌ی انسانی است، هم واجب شرعی. «قَضَى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَاناً»
- ۵- نسل نو باید در سایه‌ی ایمان، با نسل گذشته، پیوند محکم داشته باشند. «لَا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَاناً»
- ۶- در احسان به والدین، مسلمان بودن آنها شرط نیست. «بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَاناً»

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۵۷. ۲. مریم، ۳۹. ۳. مریم، ۱۴.
 ۴. «أنا و علیّ ابوا هذه الامة». بحار، ج ۱۶، ص ۹۵. ۵. تفسیر نورالثقلین.
 ۶. حج، ۷۸.

- ۷- در اصل احسان به پدر و مادر، فرقی میان آن دو نیست. ﴿بالوالدین احساناً﴾
- ۸- نیکی به پدر و مادر را بی واسطه و به دست خود انجام دهیم. ﴿بالوالدین احساناً﴾
- ۹- احسان، فراتر از انفاق است و شامل محبت، ادب، آموزش، مشورت، اطاعت، تشکر، مراقبت و امثال اینها می شود. ﴿بالوالدین احساناً﴾
- ۱۰- احسان به والدین، حدّ و مرز ندارد. ﴿بالوالدین احساناً﴾ (نه مثل فقیر، که تا سیر شود، و جهاد که تا رفع فتنه باشد و روزه که تا افطار باشد).
- ۱۱- سفارش قرآن به احسان، متوجّه فرزندان است، نه والدین. ﴿و بالوالدین احساناً﴾ زیرا والدین نیازی به سفارش ندارند و به طور طبیعی به فرزندان خود احسان می کنند.
- ۱۲- هرچه نیاز جسمی و روحی والدین بیشتر باشد، احسان به آنان ضروری تر است. ﴿یبلغنّ عندک الکبر﴾
- ۱۳- پدر و مادر سالمند را به آسایشگاه ببریم، بلکه نزد خود نگهداریم. ﴿عندک﴾
- ۱۴- وقتی قرآن از رنجاندن سائل بیگانه ای نهی می کند، ﴿اما السائل فلا تنهر﴾ تکلیف پدر و مادر روشن است. ﴿فلا تنهرهما﴾
- ۱۵- هم احسان لازم است، هم سخن زیبا و خوب. ﴿احساناً... قل لهما قولاً کریماً﴾ (بعد از احسان، گفتار کریمانه مهم ترین شیوهی برخورد با والدین است).
- ۱۶- در احسان به والدین و قول کریمانه، شرط مقابله نیامده است. یعنی اگر آنان هم با تو کریمانه برخورد نکردند، تو کریمانه سخن بگو. ﴿وقل لهما قولاً کریماً﴾

﴿۲۴﴾ وَ أَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا

رَبَّيَانِي صَغِيرًا

و از روی مهربانی و لطف، بال تواضع خویش را برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا! بر آن دو رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند.

پیام‌ها:

- ۱- فرزند در هر موقعیتی که هست، باید متواضع باشد و کمالات خود را به رُخ والدین نکشد. ﴿وَاخْفِضْ لَهَا جَنَاحَ الذَّلِّ﴾
- ۲- تواضع در برابر والدین، باید از روی مهر و محبت باشد، نه ظاهری و ساختگی، یا برای گرفتن اموال آنان. ﴿وَاخْفِضْ لَهَا... مِنَ الرَّحْمَةِ﴾
- ۳- فرزند باید نسبت به پدر مادر، هم متواضع باشد، هم برایشان از خداوند رحمت بخواهد. ﴿وَاخْفِضْ... وَقَلِّ رَّبِّ ارْحَمَهَا﴾
- ۴- دعای فرزند در حق پدر و مادر مستجاب است، وگرنه خداوند دستور به دعا نمی‌داد. ﴿وَقَلِّ رَّبِّ ارْحَمَهَا...﴾
- ۵- دعا به پدر و مادر، فرمان خدا و نشانه‌ی شکرگزاری از آنان است. ﴿قَلِّ رَّبِّ ارْحَمَهَا...﴾
- ۶- در دعا از کلمه «رَبِّ» غفلت نکنیم. ﴿قَلِّ رَّبِّ ارْحَمَهَا﴾
- ۷- رحمت الهی، جبران زحمات تربیتی والدین است. ﴿رَبِّ ارْحَمَهَا کَمَا رَبَّيَانِي﴾ گویا خداوند به فرزند می‌گوید: تو رحمت خود را دریغ مدار، و از خدا نیز استمداد کن که ادای حق آنان از عهده‌ی تو خارج است.
- ۸- گذشته‌ی خود، تلخی‌ها و مشکلات دوران کودکی و خردسالی را که بر والدین تحمیل شده است از یاد نبرید. ﴿کَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾
- ۹- پدر و مادر باید بر اساس محبت فرزندان را تربیت کنند. ﴿ارْحَمَهَا کَمَا رَبَّيَانِي﴾
- ۱۰- انسان باید از مریبان خود تشکر و قدردانی کند. ﴿ارْحَمَهَا کَمَا رَبَّيَانِي﴾

﴿۲۵﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِأَوَابِينِ عُقُورًا

پروردگارتان به آنچه در درون شماست، آگاه‌تر (از خودتان) است. اگر صالح باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است.

پیام‌ها:

- ۱- از شئون ربوبیت خداوند، آگاهی اوست. ﴿رَبِّكُمْ اعْلَم﴾
- ۲- انگیزه ما در هر کار و در خدمت به والدین زیر نظر اوست. ﴿رَبِّكُمْ اعْلَم...﴾
- ۳- صلاحیت‌ها مربوط به درون و انگیزه‌هاست. ﴿فِي نَفْسِكُمْ أَنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ﴾
- ۴- اگر دل و درون، صاف و صالح باشد، در توبه باز است. ﴿تَكُونُوا صَالِحِينَ... لَلْأَوَّابِينَ غَفُوراً﴾
- ۵- توبه‌ی خود را با انابه‌ی پی در پی انجام دهیم. ﴿اَوَّابِينَ﴾
- ۶- خداوند بخشاینده است، اما شرط برخورداری ما از مغفرت الهی، توبه است. ﴿أَنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ... لَلْأَوَّابِينَ غَفُوراً﴾
- ۷- اگر از روی نادانی برخورد نامناسبی با والدین داشته‌ایم، با توبه می‌توانیم رحمت خدا را جلب کنیم. ﴿صَالِحِينَ... غَفُوراً﴾ (با توجه به آیه‌ی قبل)
- ۸- عفو و بخشش الهی از شئون ربوبیت اوست. ﴿رَبِّكُمْ... غَفُوراً﴾
- ۹- یکی از نشانه‌های صالح بودن انسان، توبه کردن است. ﴿أَنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ... لَلْأَوَّابِينَ﴾
- ۱۰- گاهی از افراد صالح نیز لغزشی سر می‌زند، که البته باید این کوتاهی‌ها را با توبه جبران کرد. ﴿أَنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ... اَوَّابِينَ﴾

﴿۲۶﴾ وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيراً

حق خویشاوند و بیچاره و در راه مانده را ادا کن و هیچ‌گونه ریخت و پاش و اسراف‌ی نکن.

نکته‌ها:

- «تَبْذِير» از ریشه‌ی «بذّر» به معنای ریخت و پاش است. مانند آنکه برای دو نفر مهمان، غذای ده نفر را تهیه کنیم.
- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس چیزی را در غیر مسیر طاعت خدا مصرف کند، مبذّر

است.^(۱) آن حضرت در پاسخ به این سؤال که آیا در مخارج حلال نیز اسراف وجود دارد؟ فرمودند: بلی، زیرا کسی که دارایی خود را چنان بخشش کند که چیزی برای خود نگذارد، در مصرف حلال اسراف کرده است.^(۲)

□ پس از نزول این آیه، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدنبال مراد خداوند از «ذی القربی» بود. خداوند به او وحی کرد که «فدک» را به فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام بدهد و آن حضرت «فدک»^(۳) را به فاطمه بخشید. اما پس از آن حضرت، فدک را از اهل بیت به ناحق گرفتند و اهل بیت برای گرفتن حق خود همواره به این آیه استناد می‌کردند.

□ مفسران شیعه و سنی مانند طبری، با الهام از روایات، می‌نویسند: امام سجاد عَلِیْهِ السَّلَام در دوران اسارت وقتی همراه قافله اسرا به شام رسید، در مقام محاجّه با آنان که اسرای اهل بیت را بی‌دین و خارجی می‌خواندند، با استناد به این آیه فرمودند: مراد از «ذی القربی» ما هستیم!^(۴)

□ برخی روایات آیه را مربوط به خمس دانسته و برخی دیگر موضوع آیه را بالاتر از مسائل مادی دانسته و گفته‌اند: آیه، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان می‌دهد که حقّ علی بن ابی طالب عَلِیْهِ السَّلَام را با وصیّت به جانشینی او ادا کند.^(۵) و مراد از تبذیر در آیه که از آن نهی شده، «عُلُو» است.^(۶)

۱. بحار، ج ۷۵، ص ۳۰۲. ۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. فدک، مزرعه‌ی بسیار بزرگی بود که بدون جنگ در اختیار پیامبر قرار گرفت. آن حضرت با توجه به محبوبیّت، عصمت، زهد، امانت و دقّت اهل بیت عَلِیْهِمُ السَّلَام و پشتیبانی اقتصادی برای تبلیغ خط و راه آنان و فقرزدایی از امت، آن را در اختیار اهل بیت عَلِیْهِمُ السَّلَام گذاشت. اما پس از رحلت پیامبر ابوبکر آن را گرفت، سپس عمر بن عبدالعزیز آن را بازگرداند، باز غصب کردند و در زمان مأمون برگردانده شد و باز هم غصب کردند. درباره‌ی فدک، بحث‌های تاریخی، حقوقی و سیاسی فراوانی است که در ذیل این آیه در تفاسیر آمده که از همه‌ی آن مباحث، صرف نظر می‌کنیم.

۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۳؛ تفسیر نورالثقلین.

۵. امام صادق عَلِیْهِ السَّلَام درباره این آیه فرمودند: حقّ علی بن ابی طالب عَلِیْهِ السَّلَام جانشینی رسول خدا و داشتن علوم نبوی است. کافی، ج ۱، ص ۲۹۴. ۶. تفسیر فرقان.

پیام‌ها:

- ۱- دستورات دینی با فطرت هماهنگ است. انسان به طور فطری در درجه اول به والدین و سپس به نزدیکان علاقه دارد، دستور ادای حق در اسلام نیز بر این اساس است. با توجه به آیات قبل و ﴿آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾
- ۲- در انفاق، باید اولویّت‌ها را در نظر گرفت. اول والدین، سپس فامیل، بعداً فقرا و ابن السبیل. ﴿آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ...﴾
- ۳- خویشاوندان، به گردن ما حق دارند و ما متنی بر آنان نداریم. ﴿آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾
- ۴- خویشاوندی، فقر و در راه ماندگی سبب پیدایش حقوق ویژه است. ﴿آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾
- ۵- در پرداخت حق خویشاوندان، فقر شرط نیست. ﴿آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾
- ۶- در انفاق باید اعتدال را رعایت کنیم و از حد نگذریم. ﴿آتِ... وَ لَا تَبْدُرْ﴾
- ۷- ریخت و پاش و مصرف بی‌مورد مال، حرام است. ﴿وَلَا تَبْدُرْ﴾
- ۸- انسان در مصرف مال و ثروت خود به هر شکلی آزاد نیست. ﴿وَلَا تَبْدُرْ تَبْدِيرًا﴾

﴿۲۷﴾ إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

همانا اسرافکاران برادران شیطان‌هايند و شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «أخ» در عربی هم به معنای برادر، هم به معنای ملازم و همراه می‌باشد. مثل «أخو السفر» به کسی که پیوسته در سفر است، و «أخو الکرّم» که به انسان کریم گفته می‌شود. برادری گاهی نسبی است، گاهی مسلکی و مرامی؛ اسرافکاران برادران مسلکی شیطانند. «إخوان الشیاطین» یعنی کسانی که در مسیر شیطان و همراه اویند.

□ در قرآن، پیوسته از وسوسه یا ولایت شیطان بر افراد، سخن به میان آمده است، اما تنها موردی که «إخوان الشیاطین» آمده این آیه است، یعنی اسرافکاران همکار شیطانند، نه تحت امر او. پس کار از وسوسه شدن گذشته و به مرحله‌ی همکاری و معاونت رسیده است. چنانکه در جای دیگر آمده است: ﴿تَقِيضُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾^(۱)

□ «تَبذِيرٌ»، گرچه بیشتر در مسائل مالی است، ولی در مورد نعمت‌های دیگر نیز وجود دارد، مانند هدر دادن عمر و جوانی، به کار گرفتن فکر، چشم، گوش و زبان در راه ناصحیح، سپردن مسئولیت‌ها به افراد ناصالح، پذیرش مسئولیت بدون داشتن لیاقت و بیش از حد توان و ظرفیت، آموزش و آموختن مطالب غیر ضروری و غیر مفید و امثال اینها.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- مصرف مال و دارایی در غیر مورد آن، کاری شیطانی و نوعی ناسپاسی است.
﴿المبذِرِينَ... إخوان الشیاطین﴾
- ۲- مبذّر و اهل ریخت و پاش باید تحقیر شود، نه آنکه مورد تقدیر و احترام قرار گیرد. ﴿إخوان الشیاطین﴾
- ۳- مؤمن با مؤمن برادر است، ﴿أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^(۳) و اسرافکار با شیطان. ﴿إِنَّ الْمُبذِرِينَ... إخوان الشیاطین﴾
- ۴- تبذیر، نشانه‌ی کفران و ناسپاسی است، نه نشانه‌ی سخاوت و بخشندگی.
﴿المبذِرِينَ... لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾

﴿۲۸﴾ وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ

قَوْلًا مَّيْسُورًا

و اگر به انتظار رحمتی از پروردگارت که به آن امیدواری، از آنان اعراض می‌کنی، پس با آنان سخنی نرم بگو.

۳. حجرات، ۱۰.

۲. تفسیر اطیب البیان.

۱. زخرف، ۳۶.

نکته‌ها:

□ این آیه، درباره‌ی برخورد مناسب با مردم است. لذا پیامبر حتی آنگاه که در انتظار گشایش و رحمت الهی بود، اگر کسی از ایشان چیزی درخواست می‌کرد که حضرت آن را نداشت، برایش دعا می‌کرد و می‌فرمود: خداوند، ما و شما را از فضل خویش روزی دهد.^(۱)

□ فاطمه‌ی زهرا علیها السلام هنگامی که برای کمک در کارهای خانه‌ی خود، از پیامبر کنیزی درخواست کرد، حضرت فرمود: در مسجد ۴۰۰ نفرند که لباس و غذا ندارند، اگر چنین نبود، خدمتکاری برایت تعیین می‌کردم. آنگاه تسبیحات معروف به «تسبیح حضرت زهرا» را به او آموخت.^(۲)

□ قرآن درباره‌ی نحوه‌ی سخن گفتن با مردم، دستورهایی دارد، از جمله اینکه با آنان سخنی نرم، ملایم، آسان، استوار، معروف و رسا گفته شود. ﴿قَوْلًا مَّيْسُورًا﴾، ﴿قَوْلًا لَّيِّنًا﴾^(۳)، ﴿قَوْلًا كَرِيمًا﴾^(۴)، ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾^(۵)، ﴿قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾^(۶)، ﴿قَوْلًا بَلِيغًا﴾^(۷)

پیام‌ها:

- ۱- پیامبران نیز گاهی دستشان برای کمک به دیگران خالی است. ﴿إِيتَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا﴾
- ۲- باید به رحمت الهی امیدوار بود. ﴿رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ﴾
- ۳- ما از خدا طلبکار نیستیم، آنچه هم بدهد از رحمت اوست. ﴿رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ﴾
- ۴- تلاش و امید باید در کنار هم باشد و هیچکدام به تنهایی کافی نیست. ﴿إِيتَاءَ... تَرْجُوهَا﴾
- ۵- مؤمن در جستجوی امکانات برای رسیدگی به محرومان است. ﴿إِيتَاءَ رَحْمَةٍ﴾
- ۶- امکانات مادی را از رحمت الهی بدانیم. ﴿إِيتَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ﴾

۱. تفسیر لاهیجی. ۲. تفسیر نورالثقلین. ۳. طه، ۴۴. ۴. اسراء، ۲۳. ۵. نساء، ۹. ۶. نساء، ۸. ۷. نساء، ۶۳.

- ۷- امکانات مادی در جهت تربیت و تکامل انسان است. ﴿رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّكَ﴾
 ۸- نداشتن، عذر پذیرفته‌ای برای ترک انفاق و کمک نکردن است. ﴿تَعْرِضُ عَنْهُمْ
 ابْتِغَاءً...﴾
 ۹- اگر نیاز مالی کسی را برطرف نکردیم، لااقل دل او را با سخن شایسته به دست
 آوریم. ﴿قُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِيسُورًا﴾
 ۱۰- به فقرا وعده‌ای بدهید که بتوانید عمل کنید و مشکل‌زا نباشد. ﴿قُلْ لَهُمْ
 قَوْلًا مِيسُورًا﴾

﴿۲۹﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ
 مَلُومًا مَّحْسُورًا

و نه دست خود را به گردنت بسته بدار (که هیچ انفاقی نکنی) و نه آن را
 کاملاً باز گذار که (چیزی برای خودت نماند و) سرزنش شده و حسرت
 خورده (به کنجی) نشینی.

نکته‌ها:

- امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد از «محسور» حسرت فقر و تنگدستی است.^(۱)
- بعضی گفته‌اند: «ملامت» مربوط به اول آیه است که درباره بخل است و «حسرت» مربوط
 به آخر آیه و ولخرجی است.
- زنی پسر خود را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد واز آن حضرت پیراهنش را به عنوان تبرک
 درخواست کرد. پیامبر تنها پیراهن خود را داد و چون لباس دیگری نداشت، برای نماز از
 خانه بیرون نیامد. این آیه نازل شد تا پیام دهد که سخاوت، آن نیست که یکتا پیراهن خود
 را بدهی.
- در روایتی دیگر آمده است: مقداری طلا، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، پیامبر در همان زمان همه

را انفاق کرد. روز بعد فقیری از حضرت درخواستی کرد. حضرت چیزی نداشت که به او بدهد. مرد فقیر حضرت را سرزنش کرد. پیامبر ﷺ از اینکه چیزی نداشت تا به او کمک کند اندوهناک شد که این آیه نازل شد.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- مؤمن باید از بخل دوری کرده و به دیگران کمک نماید. ﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً﴾
- ۲- اسلام مکتب اعتدال و میانه‌روی حتی در انفاق است. ﴿لَا تَجْعَلْ، لَا تَبْسُطَهَا﴾
- ۳- نتیجه‌ی ولخرجی و زیاده‌روی در انفاق، خانه‌نشینی و ملامت و حسرت است. ﴿فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَحْسُورًا﴾
- ۴- اسلام، هرگز به ذلت و خواری مسلمانان راضی نیست و از هر عملی که آنان را به ذلت کشاند، نهی کرده است. ﴿لَا تَجْعَلْ... لَا تَبْسُطَهَا... فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَحْسُورًا﴾
- ۵- توجه به عاقبت شوم کار، سبب دوری از آن است. ﴿لَا تَجْعَلْ... فَتَقْعَدَ...﴾
- ۶- آینده‌نگری از اصول مدیریت است. ﴿لَا تَجْعَلْ... فَتَقْعَدَ...﴾

﴿۳۰﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ

خَبِيرًا بَصِيرًا

همانا پروردگارت برای هر کس بخواهد، روزی را گشاده یا تنگ می‌سازد،
همانا او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.

نکته‌ها:

□ در قرآن بطور گسترده درباره‌ی رزق و روزی، بحث شده است. برخی از نکات آن آیات عبارت است از:

- الف: رزق هر جنبنده‌ای بر عهده خداست. ﴿مَنْ دَابَّتْ فِي الْأَرْضِ الْأَعْلَى اللَّهُ رَزَقَهَا﴾^(۲)
- ب: سرچشمه‌ی روزی، در آسمان است. ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ﴾^(۳)

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. هود، ۶.

۳. ذاریات، ۲۲.

ج: اگر همه‌ی مردم رزق گسترده داشته باشند، فساد گسترش می‌یابد. ﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ﴾^(۱)

د: مردم باید تلاش کنند و به دنبال رزق بروند. ﴿فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ﴾^(۲)
 ه: تقوا از عوامل گشایش و موجب توسعه در رزق است. ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^(۳)

□ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «قَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَقَلَّلَهَا وَقَسَّمَهَا عَلَى الضَّيِّقِ وَالسَّعَةِ فَعَدَلَ فِيهَا لِيَبْتَلِيَ مَنْ أَرَادَ مَيْسُورَهَا وَمَعْسُورَهَا وَلِيخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَالصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَفَقِيرِهَا»^(۴) خداوند، روزی مردم را با کم و زیاد کردن، تقدیر کرد تا هر که را بخواهد در تنگناها و گشایش‌ها بیازماید و غنی و فقیر را با شکر و صبری که از خود بروز می‌دهد، امتحان و گزینش کند.

پیام‌ها:

- ۱- کمی و زیادی رزق به دست خداست. ﴿يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ﴾
- ۲- وسعت یا تنگی رزق، از شئون ربوبیت خدا و برای رشد و تربیت انسان‌هاست. ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ... وَيَقْدِرُ﴾
- ۳- خواست خداوند بر اساس بصیرت و آگاهی اوست. ﴿لِمَنْ يَشَاءُ... خَيْرًا بَصِيرًا﴾
- ۴- از ترس فقر خود، بخل نوزید و برای نفی فقر دیگران تمام اموال خود را یکجا نبخشید، که روزی بدست خداست و فقر برخی حکیمانه است. ﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ... إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ﴾

﴿۳۱﴾ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَتَّىٰ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا

۳. طلاق، ۲.

۲. عنكبوت، ۱۷.

۱. شوری، ۲۷.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ!

نکته‌ها:

- «املاق» به معنای فقر و تنگدستی است.
- این آیه، سیمای نابسامان اقتصاد دوران جاهلیت را نشان می‌دهد. امروز هم که دنیا به خاطر نگرانی از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی، سقط جنین را مجاز می‌داند، گرفتار نوعی جاهلیت شده است.
- خداوند در آیه ۱۵۱ سوره‌ی انعام، کشتن فرزندان را به خاطر فقر می‌داند، ﴿لَا تَقْتُلُوا اولادکم من املاقٍ﴾ ولی در این آیه، کشتن را به خاطر ترس از فقر می‌شمرد، ﴿خشية املاق﴾ در آنجا در مورد فقر می‌فرماید: ﴿نَحْنُ نَرْزُقْکُمْ وَاِیَّاهُمْ﴾ ما زندگی شما و فرزندانان را تأمین می‌کنیم، در اینجا در مورد ترس از فقر می‌فرماید: ﴿نَحْنُ نَرْزُقْهُم وَاِیَّاکُمْ﴾ رزق بچه‌هایتان و خودتان با ماست. چون هیجان ترس بیشتر است، خداوند اول اولاد را بیمه می‌کند، سپس خود انسان را، تا هیجان کاهش یابد.^(۱) شاید سرّ این تفاوت در این باشد که چون گرسنگی الآن است و ترس از فقر برای آینده، لذا در صورت اول می‌فرماید: ما هم اکنون خود شما و فرزندانان را رزق می‌دهیم، ولی در مورد ترس از آینده می‌فرماید: نگران نباشید ما فرزندانان و خودتان را روزی می‌دهیم.

پیام‌ها:

- ۱- کودک، حقّ حیات دارد و والدین نباید این حق را از او بگیرند. ﴿لَا تَقْتُلُوا اولادکم﴾
- ۲- فقر و تهیدستی حتی در قوی‌ترین عواطف انسانی تأثیرگذار است. ﴿لَا تَقْتُلُوا اولادکم خشية املاق﴾
- ۳- ترس از ضرر و زیان و فقر، مجوّز گناه و نادیده گرفتن حقوق دیگران نیست.

۱. تفاسیر فی ظلال القرآن و فرقان.

﴿لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ أَمَلِق﴾

۴- اگر امنیت روانی و ایمان نباشد، نه فقط فقر که ترس از فقر نیز سبب آدم‌کشی

می‌شود. ﴿لَا تَقْتُلُوا... خَشْيَةَ أَمَلِق﴾

۵- توجه به ضمانت الهی، مانع گناه است. ﴿لَا تَقْتُلُوا... نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ﴾

۶- ایمان و توکل را از یاد نبرید. ﴿نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ﴾

۷- خداوند از پدر و مادر مهربان‌تر است، به او سوءظن نبرید. ﴿نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ﴾

۸- رزق به دست خداست و زیادی نفقات و جمعیت بی‌اثر است، پس فرزند

عامل فقر نیست. ﴿نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَآيَاكُمْ﴾

۹- گاهی رزق و روزی مادر سایه‌ی روزی فرزندان است. ﴿نَرْزُقُهُمْ وَآيَاكُمْ﴾

۱۰- فرزندکشی و سقط جنین، گناه و جنایت است، چه پسر باشد، چه دختر.

﴿لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ... خَطَأً كَبِيراً﴾

۱۱- گناهان یکسان نیستند، گناهان صغیره و کبیره داریم. ﴿خَطَأً كَبِيراً﴾

﴿۳۲﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

به زنا نزدیک نشوید، که کار زشت و راه بدی است.

نکته‌ها:

□ رابطه‌ی نامشروع جنسی (زنا)، مفاسد و زیان‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی فراوانی را

بدنبال دارد و لذا در اسلام حرام شده است و در قرآن کریم، در کنار شرک، قتل^(۱) و

سرقت^(۲) آمده است.

گوشه‌ای از مفاسد زنا از این قرار است:

۱. سرچشمه‌ی بسیاری از درگیری‌ها، خودکشی‌ها، فرار از خانه‌ها، فرزندان نامشروع،

بیماری‌های مقاربتی و دلهره برای خانواده‌های آبرومند است.

۱. ﴿الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ هَآءَ آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَلَا يَزْنُونَ﴾ فرقان، ۶۸.

۲. ﴿...إِذْ جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِيَاعِنِكَ عَلَىٰ أَن لَّا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ...﴾ ممتحنه، ۱۲.

۲. زناکاران چون برای شهوترانی سراغ یکدیگر می‌روند، میانشان انس و الفت عمیق و آرامش نیست.

۳. زناکار، طرف مقابل را شریک زندگی نمی‌داند، وسیله‌ی اطفای شهوت می‌داند.

۴. زنا، سبب کاهش تشکیل خانواده از طریق ازدواج و موجب به وجود نیامدن ارتباط‌های فAMILI و قطع صله‌ی رحم است. چون باز شدن راه زنا، بی‌رغبتی به ازدواج را در پی دارد.

۵. در زنا، احساس تعهد و تکلیف نسبت به بقای نسل و تربیت کودک نیست و احساس پدری و مادری از میان می‌رود.

۶. زنا، نظام ارث‌بری را بر هم می‌زند و وارث واقعی معلوم نمی‌شود.

۷. سبب از بین رفتن شخصیت و هویت انسانی می‌شود و موجب مرگ‌های زودرس می‌گردد.
«یذهب بالهاء و یعجل الفناء»^(۱)

۸. چون ارتکاب زنا، بدون زحمت و خرج نیست، زناکار برای ارضای هوس خود، به سراغ گناهان زیادی می‌رود. مثلاً گاهی برای کامیابی خود، به تهمت، ارباب و دزدی دست می‌زند و حتی مرتکب قتل می‌شود.

۹. در جامعه، فرزندان نامشروع و بی‌هویت پدید می‌آید، که زمینه‌ی بسیاری از مفاسد و جرائم است و مصداق روشنی برای فحشا است.

□ اسلام برای پیشگیری از زنا، برنامه‌هایی ارائه داده است، از قبیل:

۱. ممنوعیت اختلاط زن و مرد در بعضی مکان‌ها.

۲. ممنوعیت خلوت مرد با زن نامحرم.

۳. حرمت زینت زن برای نامحرم.

۴. حرمت نظر به نامحرم و دست دادن با نامحرم و پرهیز از فکر زنا و تماشای عکس‌های تحریک کننده.

۵. مجازات شدید برای زناکار.

۶. توصیه به ازدواج و پایین‌گرفتن مهریه.
 ۷. نکوهش از ازدواج دیر هنگام.
 ۸. عبادت شمردن همسر داری و تلاش برای خانواده.
 ۹. ترغیب به ازدواج موقت.

پیام‌ها:

- ۱- جاذبه بعضی گناهان به حدی است که نزدیک شدن به آن هم خطر دارد.
 ﴿لاتقربوا﴾
 ۲- نه فقط زنا، بلکه از مقدمات زنا هم باید پرهیز کرد. (گاهی یک نگاه، تلفن، نامه و تماس، زمینه‌ی ارتباط‌های نامشروع می‌شود). ﴿لاتقربوا﴾
 ۳- زنا، در طول تاریخ عملی زشت و ناپسند، و در ادیان دیگر نیز حرام بوده است. ﴿کان فاحشَةً﴾
 ۴- در نهی از منکر، زشتی گناه را بیان کنیم. ﴿لاتقربوا... ساء سیلاً﴾
 ۵- زنا هم گناه است، هم راهی برای گناهان دیگر و هم سبب بدعاقبتی است.
 ﴿ساء سیلاً﴾

﴿۳۳﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ
 جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

و کسی را که خداوند، (قتل او را) حرام کرده است نکشید، مگر به حق. و هر
 کس مظلوم کشته شود، قطعاً برای ولی او تسلط (و اختیار دیه یا قصاص)
 قرار داده‌ایم، پس نباید در کشتن (و قصاص) زیاده‌روی کند، چرا که آن
 (ستم‌دیده به طور عادلانه) یاری و حمایت شده است.

نکته‌ها:

□ «فلا یسرف فی القتل» یعنی در قصاص بیش از قاتل رانکشید و یا او را مثله نکنید، چنانکه

در جاهلیت چنین رسمی وجود داشته است.

□ قتل نفس و آدم‌کشی از گناهان کبیره است. هر کس در غیر مورد قصاص یا فساد، کسی را بکشد، گویا همه‌ی مردم را کشته است، ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾^(۱)

□ در روایات یکی از مصادیق «ولی»، حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده که انتقام جدّ عزیزش امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت.^(۲) ﴿فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾

□ حمایت خداوند از مظلوم و سپردن حقّ قصاص به ولیّ دم، هم عامل بازدارنده از آدم‌کشی است و هم بازدارنده از اسراف در قصاص. ﴿جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾

پیام‌ها:

- ۱- هر انسانی حقّ حیات دارد، حتّی غیر مسلمانی که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشد، مصونیت جانی و مالی دارد. ﴿لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ ...﴾
- ۲- قانون الهی، محور ارزشها و حرمت‌هاست. ﴿حَرَّمَ اللَّهُ﴾
- ۳- خودکشی حرام است. ﴿لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ﴾
- ۴- از نظر اسلام، کشتن افراد، در موارد حق (همچون قصاص، دفاع، ارتداد، لواط یا زناى محصنه) جایز است. ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾
- ۵- مظلوم، هر که باشد باید مورد حمایت قرار گیرد. ﴿مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا... مِنْصُورًا﴾
- ۶- قرار دادن حقّ قصاص، برای حمایت از مظلوم است. ﴿جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾
- ۷- اولیای مقتول دارای حقّ قصاص و کشتن قاتل هستند. ﴿جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾
- ۸- در قصاص باید خشم و غضب مهار شود و عدالت مراعات گردد. ﴿فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ اسلام حتّی برای متجاوزان به جان انسان‌ها، عدالت را شرط دانسته است. اولیای مقتول، حقّ ندارند به عنوان قصاص، بیش از یک نفر را بکشند و از قانون قصاص سوء استفاده کنند.

۱. مانده، ۳۲.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۹- قاتل را مثله نکنید و در نوع و کیفیت قصاص، ناجوانمردی نکنید. ﴿فلا یسرف فی القتل﴾

۱۰- از سنت‌های الهی، حمایت از مظلوم است. ﴿انه کان منصورا﴾

﴿۳۴﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أُوفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

و به مال یتیم، جز به بهترین راه (که به نفع یتیم باشد) نزدیک نشوید، تا آنکه به حد بلوغ و رشدش برسد. (که آنگاه اموالش را به او بر می‌گردانید) و به پیمان وفا کنید، که (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «أشدُّ» از «شدُّ»، به گره محکم گفته می‌شود و در اینجا منظور مرحله‌ی رشد یتیم و استحکام جسمی و روحی در حفظ اموالش می‌باشد.

□ قرآن درباره‌ی حفظ حقوق یتیم و مراعات حال او و رسیدگی و تکفل امور یتیمان سفارش فراوان کرده است. ولی چون احتمال لغزش مالی و سوء استفاده کردن از اموال یتیمان بسیار است، لذا هشدار بیشتری لازم است، به گونه‌ای که از نزدیک شدن به آن نیز نهی شده و تصرف ظالمانه در اموال یتیمان، خوردن آتش شمرده شده است.^(۱)

□ وقتی این آیه نازل شد، مسلمانان از حضور بر سر سفره‌ی ایتام کناره گرفتند و آنان را منزوی ساختند. آیه‌ی دیگری نازل شد که مراد از نزدیک نشدن، سوء استفاده است، و الاً افراد مصلح نباید به بهانه‌ی تقوا، یتیمان را رها کنند. ﴿و ان تخالطوهم فاخوانکم واللّٰه یعلم المفسد من المصلح﴾^(۲)

□ در حدیث می‌خوانیم: مراد از عهد و پیمانی که مورد سؤال است، محبت و دوستی و اطاعت از علیؑ است.^(۳)

۱. نساء، ۱۰.

۲. بقره، ۲۲۰.

۳. بحار، ج ۲۴، ص ۱۸۷.

پیام‌ها:

- ۱- اسلام، پشتیبان محرومان، ضعیفان و یتیمان است. ﴿لاتقربوا مال الیتیم﴾
 - ۲- هر جا احتمال سوءاستفاده باشد، باید بیشتر سفارش کرد.^(۱) ﴿لا تقربوا مال الیتیم﴾
 - ۳- جاذبه‌ی مال به قدری زیاد است که نزدیک شدن به آن هم گاهی گناه و حرمت را در پی دارد. ﴿لا تقربوا﴾
 - ۴- کودکان، حق مالکیت دارند. ﴿مال الیتیم﴾
 - ۵- ارث یکی از اسباب مالکیت است. ﴿مال الیتیم﴾
 - ۶- تصرف در مال یتیم مشروط به رعایت بالاترین و پربهرترین شیوه‌هاست. (اگر منافع یتیم در گردش مال اوست، باید آن را به کار انداخت، نه آنکه بی تفاوت ماند.) ﴿لاتقربوا... الاّ بالتی هی احسن﴾
 - ۷- تصرف نابجا و حیف و میل اموال یتیمان، ممنوع است. ﴿لاتقربوا... الاّ بالتی هی احسن﴾
 - ۸- زمان واگذاری مال یتیم به خود او، وقتی است که به بلوغ فکری و اقتصادی و جسمی برسد. ﴿حتی یبلغ اشدّه﴾
 - ۹- به پیمان‌ها - هرچه و با هر که باشد - وفادار باشیم. ﴿اوفوا بالعهد﴾
 - ۱۰- توجه به مسئولیت، انسان را از گناه باز می‌دارد. ﴿انّ العهد کان مسؤلاً﴾
- ﴿ ۳۵ ﴾ وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كَلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ اِسْ اَلْمُسْتَقِيمِ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَ اَحْسَنُ تَاْوِيلاً**
- و چون با پیمان‌ه داد و ستد کنید، پیمان‌ه را تمام دهید و با ترازوی درست وزن کنید، که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است.

۱. به همین دلیل، حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، در مورد رعایت حقوق اجیر، کشاورز، زن و یتیم، سفارش بیشتری کرده است. مانند: «اللّه الله فی الایتام» نهج البلاغه، نامه ۴۷.

نکته‌ها:

- «قسطاس»، به معنای ترازو است.^(۱) در حدیث آمده است: امام معصوم، نمونه و مصداق «قسطاس مستقیم» در جامعه‌ی اسلامی است.^(۲)
- مسائل داد و ستد و رعایت حقوق مردم در معاملات، چنان مهم است که قرآن بارها روی آن تأکید کرده و بزرگ‌ترین آیه قرآن،^(۳) مربوط به آن و سوره‌ای به نام «مطففین» (کم‌فروشان) نام نهاده شده است. اولین دعوت بعضی پیامبران، همچون حضرت شعیب نیز ترک کم‌فروشی بوده است.^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- بازار مسلمانان، باید از تقلب و کم‌فروشی دور باشد و فروشنده‌ی آن باید امین، دقیق، درستکار و با حساب و کتاب باشد. «وفوا الکیل»
- ۲- ایفای کیل و پیمانه‌ی صحیح، از نمونه‌های وفای به پیمان است که در آیه‌ی قبل گذشت، زیرا معامله، نوعی تعهد است. «وفوا بالعهد... اوفوا الکیل»
- ۳- ترازو و وسایل سنجش و محاسبات تجاری، باید سالم و دقیق باشد. «وزنوا بالقسطاس المستقیم»
- ۴- دقت در ترازو، وزن و محاسبات، عامل خیر و برکت است و کم‌فروشی، خیر و برکت را می‌برد. «ذلک خیر»
- ۵- فلسفه‌ی فرمان‌های الهی، خیر خود انسان‌هاست. «وفوا، زنوا... ذلک خیر»
- ۶- درستکاری اقتصادی، برتر از دارایی و کسب مال از راه کم‌فروشی است. نتیجه‌ی دادوستد درست و رعایت حقوق مردم، به خود انسان باز می‌گردد، چون ایجاد اعتماد می‌کند، ولی کم‌فروشی و نادرست بودن میزان و حساب، جامعه را به فساد مالی و سلب اعتماد می‌کشاند. پس پایان و پیامد خوب، در

۱. تفسیر المیزان.

۲. بحار، ج ۲۴، ص ۱۸۷.

۳. بقره، ۲۸۲.

۴. شعراء، ۱۸۱-۱۸۳.

گرو درستکاری است. ﴿ذٰلِكَ خَيْرٌ﴾

۷- کسب صحیح، موجب خوش عاقبتی است. ﴿احسن تأویلاً﴾
کم فروش گرچه به سود موقت می رسد، ولی از دست دادن اعتبار دنیوی و فراهم شدن عذاب اخروی، کار او را بدفرجام می کند.

﴿۳۶﴾ وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ
أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً

و از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، چون گوش و چشم و دل، همه‌ی
اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

نکته‌ها:

□ ذکر چشم و گوش و دل در آیه، شاید از باب نمونه باشد، زیرا در قیامت علاوه بر خود انسان، از دست و پا و اعضای دیگر هم سؤال می شود^(۱) و آنها به سخن آمده، اعتراف می کنند.^(۲) و ممکن است برای این باشد که انگیزه‌ی پیروی از دیگران از طریق دیدن یا شنیدن و یا اندیشه و درک است.

□ در طول تاریخ، بسیاری از فتنه‌ها و نزاع‌ها، از قضاوت‌های عجولانه یا حرف‌های بی‌مدرک و نظریه‌های بدون تحقیق و علم، بروز کرده است. عمل به این آیه، فرد و جامعه را در برابر بسیاری از فریب‌ها و خطاها بیمه می کند. چرا که خوش بینی بیجا، زودباوری و شایعه‌پذیری، جامعه را دستخوش ذلت و تسلیم دشمن می کند.

□ تقلید کورکورانه، پیروی از عادات و خیالات، تبعیت از نیاکان، باور کردن پیشگویی‌ها، خواب‌ها، حدس‌ها و گمان‌ها، قضاوت بدون علم، گواهی دادن بدون علم، موضعگیری، ستایش یا انتقاد بدون علم، تفسیر و تحلیل و نوشتن و فتوا دادن بدون علم، نقل

۱. نور، ۲۴؛ یس، ۶۵؛ فصلت، ۲۰.

۲. شاید عبارت «کل اولئك» اشاره باشد که این سه عضو، از باب نمونه است، وگرنه بدون «کلّ اولئك» هم معنای آیه تمام بود.

شنیده‌های بی‌اساس و شایعات، نسبت دادن چیزی به خدا و دین بدون علم، تصمیم در شرایط هیجانی و بحرانی و بدون دلیل و برهان، تکیه به سوگندها و اشک‌های دروغین دیگران، همه‌ی اینها مصداق «لا تَقْفَ ما لیس لك به علم» بوده و ممنوع است.

□ به مقتضای روایات متواتر و معتبر، پیروی از اصول قطعی شرعی (مانند فتوای مجتهد، یا علمی که به اطمینان‌های نزدیک به یقین اطلاق می‌شود) پیروی از علم است. همچنان که مردم از نسخه‌ی پزشک متخصص و دلسوز، علم پیدا می‌کنند، از فتوای مجتهد جامع‌الشرایط و متقی نیز علم به حکم خدا پیدا می‌کنند. بنابراین این مرحله از علم کافی است، هر چند علم درجاتی دارد و مراحل عمیق‌تر آن مانند: علم الیقین، حقّ الیقین و عین الیقین می‌باشد.

□ امامان معصوم علیهم‌السلام، اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربان دل و گوش خود باشید. و در این امر، به این آیه «لا تَقْفَ ما لیس لك به علم» استناد می‌کردند.

چنانکه امام صادق علیه‌السلام برای متنبه کردن شخصی که هنگام رفتن به دستشویی، توقف خود را در آنجا طول می‌داد تا صدای ساز و آواز همسایه را بشنود، این آیه را تلاوت کرد و فرمود: گوش از شنیده‌ها، چشم از دیده‌ها و دل از خاطرات مؤاخذه می‌شود. امام سجاده علیه‌السلام نیز فرمود: انسان حقّ ندارد هرچه می‌خواهد بگوید.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- زندگی باید براساس علم و اطلاعات صحیح و منطقی و بصیرت باشد. «لا تَقْفَ ما لیس لك به علم»
- ۲- بازار شایعات را داغ نکنیم و با نقل شنیده‌های بی‌اساس، آبرو و حقوق افراد را از بین نبریم. «لا تَقْفَ ...»
- ۳- قرآن بساط ساحران، کاهنان و پیش‌گویان را که مردم ساده‌لوح را دور خود

۱. تفسیر نورالثقلین.

- جمع می‌کنند، بر هم می‌زند. ﴿لَاتَقِفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾
 ۴- راه شناخت، تنها حس نیست، دل نیز یکی از راههای شناخت است. ﴿السمع و البصر و الفؤاد﴾
 ۵- در قیامت، از باطن و نیات هم بازخواست می‌شود. ﴿الفؤاد﴾
 ۶- ایمان به قیامت و حسابرسی خداوند، عامل پیدایش تقواست. ﴿كُلُّ أَوْلِيَاءِ كَانَتْ مَسْئُولًا﴾
 ۷- بهره‌برداری صحیح نکردن از جسم و امکانات، مؤاخذه خواهد داشت. ﴿كُلُّ أَوْلِيَاءِ كَانَتْ مَسْئُولًا﴾

﴿۳۷﴾ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ
 الْجِبَالَ طُولًا

و در زمین با تکبر و سرمستی راه مرو، قطعاً تو زمین را نخواهی شکافت
 و در بلندی به کوه‌ها نخواهی رسید.

﴿۳۸﴾ كُلُّ ذَلِكُمْ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

همه‌ی اینها، گناهش نزد پروردگارت ناپسند است.

نکته‌ها:

- از جامعیت اسلام اینکه علاوه بر مسائل اعتقادی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، برای کارهای جزئی مانند رفت و آمد بیرون خانه نیز دستور دارد. از جمله اینکه:
 الف: ﴿واقصد فی مشیک﴾^(۱) در راه رفتن، میانه‌رو باش.
 ب: ﴿ولا تمس فی الارض مرحاً﴾ در زمین با تکبر و سرمستی راه مرو.
 ج: ﴿و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً﴾^(۲) بندگان خدا آنانند که در زمین با

۱. لقمان، ۶۱.

۲. فرقان، ۶۳.

آرامش و بی تکبر راه می‌روند.

د: از قارون ثروتمند هم انتقاد می‌کند که هنگام عبور در کوچه و بازار، با تکبر و جلال و جبروت ظاهر می‌شد.^(۱)

□ در سیره‌ی پیامبر اسلام است که وی حتی روز فتح مکه بر الاغی بدون پالان سوار شد. امام حسن مجتبی‌علیه السلام نیز با داشتن مرکب‌های زیاد، پیاده به مکه می‌رفت. اینها نشانه‌ی فروتنی اولیای دین است. حضرت علی علیه السلام نیز از اوصاف متقین، راه رفتن متواضعانه را بر می‌شمارد. «و مَشِيهِم التواضع»^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- تکبر، حتی در راه، رفتن از نظر قرآن نکوهیده است. «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»
- ۲- راه مقابله با تکبر، توجه دادن به ضعف‌ها و عجزهاست. «أَنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ»
- ۳- خصلت‌های درونی در رفتار انسان اثر گذار است. «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»
- ۴- بدی اعمال زشت در همه‌ی ادیان الهی امری ثابت است. «كَانَ سَيِّئُهُ... مَكْرُوهًا»
- ۵- اوامر و نواهی پروردگار، در جهت رشد و تربیت انسان است. «عِنْدَ رَبِّكَ»

﴿ ۳۹ ﴾ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ
فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا

این (دستورات) از حکمت‌هایی است که پروردگارت بر تو وحی کرده است، و با خدا معبودی دیگر قرار نده که سرزنش شده و رانده، در دوزخ افکنده خواهی شد.

نکته‌ها:

□ برخی مفسران می‌گویند: مراد از «حکمت»، احکام ثابتی است که در آیات قبل گفته شده و در ادیان دیگر هم بوده و نسخ شدنی نیست. در آیه‌ی ۲۲ فرمان نهی از شرک اولین حکمت

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۱. قصص، ۷۹.